

تلاش بیهوده عشق

ویلبام شکسپیر | مترجم علاء الدین پارارگادی



۱۳۹۹

فهرست مطالب

نه	مقدمه مترجم
نه	تاریخ و منبع نمایشنامه
نه	خلاصه داستان
یازده	نکاتی چند مربوط به نمایشنامه
پانزده	صمیمه از مترجم
پانزده	اهمیت شکسپیر
پانزده	رندگی شکسپیر
هفده	ارزش ادبی آثار شکسپیر
۱	تلاش بیهوده عشق
۲	اشخاص نمایش
۳	پرده اول
۳	صحنه اول
۱۴	صحنه دوم
۲۱	پرده دوم
۲۱	صحنه اول

۳۳

پرده سوم

۳۳

صحه اول

۴۱

پرده چهارم

۴۱

صحه اول

۴۹

صحه دوم

۵۶

صحه سوم

۷۳

پرده پنجم

۷۳

صحه اول

۷۹

صحه دوم

اشخاص نمایش

برده اول

صحنه اول

(فردیناند پادشاه ناوار نا برون، لانگاویل و دومس وارد می شوند)

فردیناند نگدار شهرت، که همه در زندگی خود در حسرت و حوی آند،
بر روی آرامگاه ما مقفوش شود

و در سگ مرگ ما را بیکنام سارد ربرا

علی رعم دور رمان که حریص و بلعده است،

شاید کوشش این نفس کوتاه باعث کسب افتخارانی شود که تیعه داس بر
او را کند کند،

و ما را وارث حاویدانی سارد

پس ای فاتحین دلیر که این لقب برارنده شما است،

که علیه احساسات خود و سپاه عطیم هوس های دنیا می حگکید،

فرمان احسر ما در بهایت قدرت احرا خواهد شد،

و ناوار موح شگفتی دنیا خواهد گشت

دربار ما دارالعلم کوچکی خواهد بود که همواره

درباره هر زندگی متفکر خواهد شد

شما سه بر برون، دومس و لانگاویل سوگند یاد کرده اید که مدت سه

سال نا من زندگی کنید،

Ferdinand

Berowne

Longaville

Dumain

Boyet

Marcade

فردیناند پادشاه ناوار

برون
لانگاویل
دومس

بویت
مارکاد
نحای ندیم شاهزاده حانم فراسه

نحای دیگر

Don Adriano de Armado

Sir Nathaniel

Holofernes

Dull

Costard

Moth

A Forester

Princess of france

Rosaline

Maria

Katherine

Jaquenetta

دن آدریانو دو آرمادو لافرن

سرناتینیل کشیش

هولوفرنر فصل فروش

دال دژان

کوستارد دلکک

ماث علام آرمادو

یک حنگلمان

شاهزاده حانم فراسه

رورالس
ماریا
کاترین

حکتا یک رن روستایی

تماس نداشتن با زبان، مطالعه، روره گرفتن و نحواندن بسیار مشکل است
فردی‌باند تو سوگند حورده‌ای که از تمام این‌ها صرف نظر کنی
برون قربان، احاره بدهد عرض کم این‌طور بست،
 من سوگند حوردم که به لطف عالی حباب فقط به مطالعه بردارم و سه
 سال در دربار شما ملارم باشم
لانگاویل برون! تو به‌توها به این مطلب، بلکه به نقیه آن هم سوگند
 حوردی

برون قربان، فقط آری و نه گفتم، بعد به شوحی سوگند یاد کردم
 به من نمرمایید منظور از مطالعه چیست؟
فردی‌باند واضح است برای این که آنچه نمی‌دانیم، بدانیم
برون منظور شما چیرهایی است که بر عقل سلیم پوشیده است؟
فردی‌باند بلی، این پاداش آسمانی برای مطالعه است
برون در این صورت من سوگند می‌خورم که این‌طور مطالعه کم
 برای این که چیرهایی را که داستن آن برای من مموع شده بدانم،
 ملا مطالعه کم که در کجا ممکن است شام حوب حورم،
 کی صریحاً ق‌دع شده به‌صرف شام بردارم یا مطالعه کم
 در کجا محوبه ریایی را ملاقات کم،
 کی عقل سلیم ددن ریاریان را ق‌دع کرده است،
 یا پس از ادای سوگند حدی برای حفظ سوگند، راه نقص آن را به
 وسیله مطالعه بیام، به این که حقیقت را نقص کم اگر فایده مطالعه این
 است و چسین است،
 پس مطالعه آنچه هبور نمی‌داند می‌داند
 مرا وادار به ادای چسین سوگندی کنید و من حواب ممعی نحوادم داد
فردی‌باند این‌ها وقفه‌ها و مکث‌هایی است که کاملاً مانع مطالعه
 می‌شود،

و صمیر ما را عادت به لدات سپوده می‌دهد
برون تمام لدات بیپوده هستند و بیپوده‌تر از همه آن‌ها لداتی است،
 که با ریح به‌دست می‌آید و نتیحه‌ای حر ریح بصسش نمی‌شود،
 ریرا ریح حم شدن بر روی یک کتاب
 به دنبال نور حقیقت گشتن

همدرس من ناشید و فرانسی را که در این پیمان دکر شده، رعایت کنید
 مراسم سوگند شما پایان یافته، اکنون ریر نام خود را امضا کنید
 آن کسی که کوچک‌ترین شرط این پیمان را نقص نماید با دست خود
 شرافت حویش را پایمال می‌کند اگر همان‌طور که سوگند حورده‌اید،
 برای این کار محهر هستید بر سوگند خود صحه گذارید و آن را نگاه
 دارید

لانگاویل تصمیم من قطعی است، این یک امساک سه ساله بیش نیست
 که اگر چه بدن در آرزو می‌سورد، ولی صمیر در عیش و بوش خواهد بود،
 صاحبان شکم‌های قرنه سرهای کوچک و صعیف دارند،
 و اعدیه لدید دنده‌ها را عی، ولی عقل را فقیر می‌سارد
دومن سرور محبوب من، دومن نفس خود را کشته است،
 تا لدات ناهبحار دنیا را،
 حلوی بردگان بست دنیا بیدارد،
 و خود را بست به عشق و ثروت و مقام مرده تصور می‌کند،
 ریرا می‌خواهد در دیبای دانش و معرفت رندگی نماید
برون من فقط می‌توانم اطهارات آن‌ها را تکرار کم،
 ای سرور گرامی، من سوگند یاد کرده‌ام
 که سه سال در این‌جا رندگی کم و آن را صرف مطالعه نمایم
 ولی مراسم مؤکد دیگری بیر هست
 مثلاً نباید در این مدت نا رعی تماس داشت که امیدوارم،
 این مطلب در این پیمان دکر نشده باشد
 و همین‌طور هفته‌ای یک رور نباید دست به عدا رد
 و در رورهای دیگر فقط یک وعده عدا حورد که امیدوارم این مطلب
 هم بوشته شده باشد
 و همچنین هر شب فقط سه ساعت ناند حوانسد و در تمام رور نباید
 چرت رد

در صورتی که من در گذشته فکر می‌کردم عسی ندارد،
 تمام شب را حوانسد و حتی سمی از رور را چون شب گذراند
 و امیدوارم این یکی هم در اس‌جا بیان نشده باشد
 انحام این وظایف بی‌ثمر ماسد